

بررسی پیامدهای امنیتی عضویت ایران در معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات (مطالعه ی موردی: معاهده ی منع گسترش سلاح های هسته ای)

سیداصغر جعفری^۱ - علیرضا قاسمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۱۹

چکیده

یکی از روش‌های تقویت صلح و امنیت در سطح ملی و بین‌المللی، ایجاد توافقات خلع سلاح و کنترل تسلیحاتی است. کنترل تسلیحات و خلع سلاح چه از نظر روند و چه از نظر مفاد و مقررات، ابزارهای پر اهمیت و تأثیر گذار در امنیت کشورها به شمار می‌آیند؛ زیرا از یک سو موجب رفع ابهامات در رفتارهای نظامی و سیاست خارجی دولت می‌شوند و ثبات را افزایش می‌دهند و از دیگر سو عضویت در این نوع از معاهدات پیامدهای امنیتی خاصی را به دنبال دارند، هم چون معاهده ی منع گسترش سلاح های هسته ای که باعث تحدید حاکمیت کشورها می‌شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی در پی نشان دادن پیامدهای امنیتی عضویت ایران در معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات است. جمهوری اسلامی ایران با عضویت در سال ۱۹۶۸ م. در معاهده ی منع گسترش، بار

۱. استادیار گروه دیپلماسی دفاعی دانشگاه مالک اشتر تهران. jafari1647@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد دیپلماسی کنترل تسلیحات. alireza.ghasemi921@yahoo.com

تعهدات امنیتی خاصی را پذیرفته است. این نوشتار با بررسی پیامدهای امنیتی عضویت ایران در معاهده ی منع گسترش سلاح های هسته ای به این نتیجه رهنمون شده است که معاهده یاد شده باعث تضعیف توان نظامی، علمی و صنعتی و تحدید و تضعیف امنیت می شود.

واژگان کلیدی: کنترل تسلیحات، خلع سلاح، جمهوری اسلامی ایران، امنیت، معاهده ی منع گسترش.

مقدمه

پس از انعقاد قرارداد وستفاليا در سال ۱۶۴۸ م. و شکل‌گیری نظام دولت - ملت، مفهوم امنیت ملی برجسته شد. با گذشت زمان و تشدید تعاملات میان دولت - ملت‌ها مفهوم امنیت بین‌الملل مورد توجه ویژه محققان سیاست بین‌الملل واقع شد. امروزه نیز برخی محققان با زیر پرسش بردن ساختار امنیتی، از واژه‌هایی چون امنیت جهانی و امنیت بشری صحبت می‌کنند. در حوزه ی محتوایی امنیت نیز تحولاتی به وقوع پیوسته است. از آغاز دوره ی نظام وستفالیایی تا دهه‌های اخیر، امنیت بین‌الملل عمدتاً در قالب امنیت نظامی تعریف می‌شد در حالی که امروزه ضمن محوری بودن امنیت نظامی، امنیت در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز تعریف می‌شود.

معاهدات خلع سلاح^۱ و کنترل تسلیحات^۲ از دیرباز به عنوان یکی از ابزارهای مهم حفظ و تقویت صلح و امنیت بین‌المللی شناخته شده است. پیش‌بینی‌های میثاق جامعه ملل و منشور ملل متحد در زمینه ی همکاری‌های بین‌المللی جهت کنترل تسلیحات بیانگر اهمیت نقش مجامع بین‌المللی در ارائه و پیشبرد طرح‌های مربوط به تنظیم و تحدید تسلیحات است.

1 Disarmament
2 Arms Control

جمهوری اسلامی ایران از دیرباز با پیوستن به اکثریت معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات از جمله به عنوان یکی از اعضای فعال در این عرصه است، حضور جمهوری اسلامی ایران در اکثریت مجامع خلع سلاح و کنترل تسلیحات را می‌توان نشان دهنده هم‌سویی با فرآیندهای جهانی در جهت اعتمادسازی، رفع اتهامات و ارتقای وجهه‌ی بین‌المللی دانست. علاوه بر این عضویت در این معاهدات تبعات امنیتی خاصی را به دنبال دارد. با توجه به مسائل بالا، پرسشی که مطرح می‌شود این است که عضویت ایران در معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات به خصوص معاهده‌ی منع گسترش چه پیامدهای امنیتی ویژه‌ای را به دنبال دارد؟ فرضیه این است که ایجاد معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات در مجامع بین‌المللی همواره با هدف تأمین امنیت در سطوح مختلف جهانی، منطقه‌ای و ملی صورت می‌گیرد اما تأمین امنیت با تبعات و محدودیت‌هایی همراه است. به عبارت دیگر ایران با عضویت در معاهدات پیش‌گفته از جمله معاهده‌ی منع گسترش پیامدهای امنیتی از جمله تضعیف توان نظامی، علمی، صنعتی و تحدید و تضعیف امنیت رو به رو می‌شود.

۱. چارچوب نظری

۱-۱. نظریه‌ی خلع سلاح

نظریه خلع سلاح رهیافتی قدیمی و صریح در برخورد با مسأله‌ی جنگ است. هدف خلع سلاح، در افراطی‌ترین صورت آن، عبارت است از القای جنگ یا از بین بردن سلاح‌هایی که وسایل جنگ بین کشورهاست. به عبارت دیگر نظریه‌ی خلع سلاح در این معادله خلاصه می‌شود: نابودی سلاح‌ها برابر است با نابودی جنگ. به رغم برقراری کنفرانس‌های متعدد خلع سلاح، کشورها در تبدیل شمشیرها به داس شکست خورده‌اند. در واقع، عکس آن در عمل صادق بوده است؛ به عبارت دیگر، دنیا شاهد افزایش بی‌سابقه قدرت تخریبی مطلق بوده است. گرچه خلع سلاح ناموفق بود و عموماً توسط متخصصان

استراتژی مورد قبول واقع نشده است اما هنوز به عنوان ایده‌ای با هواداران بی‌شمار، باقی مانده است (بیلز و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

برای «خلع سلاح» تعریف واحد و جامعی وجود ندارد (ازغندی، ۱۳۹۱: ۲۰۵). در نگاه اول فهم این عبارت بسیار بدیهی می‌نماید ولی با ورود تفصیلی به بحث و بررسی نظرات پژوهشگران معلوم می‌شود که چه دیدگاه‌های متفاوتی در مورد این عبارت عنوان گردیده است.

خلع سلاح از نظر لغوی به معنی انهدام کامل تسلیحات است. به عبارت دیگر، خلع سلاح یعنی محروم کردن دولت‌ها از هر چیزی است که با آن بتوانند بجنگند و در نتیجه امکان جنگ با روشی ساده و مستقیم و از طریق حذف ابزارهای لازم، غیرعملی می‌شود (بلوچی، ۱۳۹۲: ۱۲۷).

نظریه ی کلاسیک خلع سلاح مبتنی بر مفروضات کلیدی خاصی است. مشکل اساسی روابط بین الملل، جنگ است؛ جنگ ابزار وحشیانه و غیر مشروع سیاست است و راه آشکار حذف جنگ، حذف سلاح‌هایی است که جنگ با آن‌ها صورت می‌گیرد. طرفداران خلع سلاح استدلال می‌کنند که سلاح‌ها خود عامل جنگ هستند، به گونه‌ای که تنش میان دولت‌هایی که منتظر علائمی از جنگ‌طلبی طرف مقابل هستند را افزایش می‌دهند. به جز در مواقعی که روابط میان دو یا چند دولت بر پایه ی دوستانه مبتنی است دولت‌ها بیم آن دارند که تسلیحات کشور رقیب علیه آن‌ها مورد استفاده قرار گیرد. به علاوه منتقدین تسلیحات مدعی هستند که برخورداری یک دولت از تسلیحات، احتمال استفاده از آن سلاح‌ها در هنگام بحران را افزایش می‌دهد (شیهان، ۱۳۷۸: ۲۶۲).

شکل بین‌المللی خلع سلاح معاهده‌ی‌هایی هستند که کشورها از مناطق مختلف جهان و در سطح گسترده در آن‌ها عضویت دارند، در صورتی که منظور از شکل منطقه‌ای خلع سلاح عضویت کشورهای یک منطقه ی خاص در یک سازوکار بین‌المللی خلع سلاح

است به طوری که محدودیت آن سازوکار مبتنی بر کشورهای منطقه باشد مثل معاهده‌های متعدد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای در سرتاسر جهان. لازم به ذکر است که این اشکال ضرورتاً متمایز از هم دیگر نیستند، به طوری که یک معاهده‌ی خلع سلاح در عین کلی بودن می‌تواند دو جانبه یا منطقه‌ای باشد یا صورت بین‌المللی و جزئی به خود به گیرد (بلوچی، ۱۳۹۲: ۱۲۹).

نکته‌ی دیگر نیز باید اضافه کرد و آن مترادف خلع سلاح با عبارت دیگری هم چون کنترل تسلیحات و کاهش تسلیحات است، هر چند می‌توان به لحاظ مفهومی بین آن‌ها تمایز قائل شد ولی در ادبیات موجود و حتی توسط برخی از صاحب‌نظران به عنوان عبارت مترادف یک دیگر به کار گرفته می‌شوند.

۲-۱. نظریه‌ی کنترل تسلیحات

در اواخر دهه ۱۹۵۰م. از میان بن بست‌ی که در مذاکرات خلع سلاح پس از جنگ جهانی دوم بروز کرد، رهیافت جدیدی ظهور نمود که آن را «تفکر نوین» خواندند البته این رهیافت آن چنان که در آغاز جلوه کرد، اندیشه جدیدی نبود اما به هر حال به صورت محرکی برای توسعه‌ی «کنترل تسلیحات» به مفهومی که امروزه شناخته می‌شود، درآمد. هدلی بول نظریه اصلی و هسته مرکزی این «تفکر نوین» را بدین صورت تعریف کرده است: نگرانی در مورد خطرات جنگ اتمی، نارضایتی از روش‌های سیاسی موجود، سوءظن در خصوص هدف مذاکرات خلع سلاح عمومی و همه جانبه، تأکید بر یگانگی استراتژی و کنترل تسلیحات، گسترش چشم انداز مسأله‌ی مورد بحث و باور مبنی بر ارتباط بین انواع فعالیت‌های نظامی که تا آن زمان جدا از یک دیگر تصور می‌شدند، انتقاد از این انگاره که خلع سلاح (یا کاهش تسلیحات) باید هدف سیاست کنترل تسلیحات قرار گیرد و بالاخره عزم جزمی برای از بین بردن توهّمات ناشی از مذاکرات خلع سلاح، و در عین حال حفظ خوش بینی نسبت به سهم مثبت علوم اجتماعی در بهبود چشم انداز صلح

و امنیت. از این مکتب جدید، تئوری کنترل تسلیحات توسعه یافت و محرک‌های عمده‌ای برای اعمال این نظریه‌ها به وجود آمد (بیلز و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۳۴).

رهیافت جدید کنترل تسلیحات از جنبه‌های مهمی با خلع سلاح تفاوت داشت. درحالی‌که طرفداران خلع سلاح مخالف تسلیحات و استفاده از ابزار نظامی بودند، طرفداران کنترل تسلیحات توازن قدرت نظامی را تأیید می‌کردند که در آن کنترل تسلیحات پیشرفته، توسعه یک جانبه نیرو را به عنوان یکی از ابزارهای دست‌یابی به نیروی بیشتر منع می‌کرد. طرفداران کنترل تسلیحات بر خلاف طرفداران خلع سلاح معتقد بودند که ارتباط علی و معلولی روشنی میان داشتن سلاح و بروز جنگ وجود ندارد. آنان معتقد بودند که تسلیحات بخش طبیعی از محیط زمان صلح است. تسلیحات بیش از آن که علت عدم اعتماد میان دولت‌ها باشد، معلول آن تلقی شده و داشتن آن صرفاً نمایان‌گر منافع متفاوت دولت‌ها بود که افزایش و حفظ آن در یک مقطع زمانی می‌توانست به استفاده از این ابزار نظامی بینجامد (Cimbala, 2001: 28). بنابراین مسأله این نبود که تسلیحات را حذف کنند بلکه این بود که استفاده از آن را تحت کنترل درآورند. پس طرفداران کنترل تسلیحات به دنبال ایجاد و حفظ توازن قدرت پایدار و مورد قبول طرفین بودند که در آن هیچ طرفی به واسطه‌ی ضعف طرف دیگر دچار وسوسه‌ی حمله کردن نشود. چنین محیطی نیازمند درجه بالایی از شفافیت و وضوح نظامی است به گونه‌ای که در خصومت‌های بالقوه، فعالیت‌های دفاعی مشروع باعث بیم احتمال نشود. پس منافع عموم در گرو ایجاد محیطی برای مذاکره است تا از طریق آن چنین تأثیرات بی‌ثبات‌کننده‌ای تحت کنترل درآید. بنابراین کنترل تسلیحات خواهان تمایز میان انواع نیروها و تسلیحاتی است که ثبات توازن قوا را ممکن می‌سازد و انواع دیگر بر هم زننده توازن قوا بود تا بدین وسیله بتواند تسلیحات نوع اول را تحمل کرده و حتی توسعه دهد و تسلیحات نوع دوم را محدود سازد. در حالی خلع سلاح در پی کاهش تسلیحات است، کنترل تسلیحات ممکن

است چنین باشد اما این امکان نیز وجود دارد که صرفاً به متوقف ساختن تسلیحات در سطح موجود اکتفا کند و حتی در شرایط خاص به افزایش عملی تعداد آن ها دست بزند (بلوچی، ۱۳۹۲: ۱۳۵). بنابراین مفاهیم خلع سلاح و کنترل تسلیحات یکی نیستند (بیلز و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۹). با یک برداشت کلی از تفاوت های میان خلع سلاح و کنترل تسلیحات می توان گفت خلع سلاح ادامه ی سیاست صلح طلبانه از کاهش ابزارها و سیستم های نظامی است؛ درحالی که کنترل تسلیحات تداوم سیاست صلح طلبانه از طریق خویشتن داری متقابل در خصوص کاهش یا افزایش ابزارهای نظامی است.

۲. استراتژی خلع سلاح و کنترل تسلیحات در ایران

مواضع و سیاست های دولت ایران در قبال فرایند بین المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات به طور کلی و در برابر پروتکل الحاقی پادمان هسته ای به طور خاص است اما برای یک مطالعه ی دقیق تر، ضروری است در آغاز به سیاست های رژیم پهلوی در این زمینه گذرا اشاره سپس سیاست های جمهوری اسلامی ایران در زمینه ی خلع سلاح و کنترل بررسی شود.

۲-۱. استراتژی خلع سلاح و کنترل تسلیحاتی در رژیم پهلوی

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، رویکرد امنیتی ایران در منطقه در اتحاد و هم گرایی با غرب و به ویژه آمریکا تعریف می شد و ایران در چارچوب فضای جنگ سرد و استراتژی آمریکا در خاورمیانه به همراه عربستان سعودی به عنوان دو ستون امنیتی این کشور در منطقه محسوب می شدند (واعظی، ۱۳۸۶: ۲۶). ایران در زمان پهلوی بنا به علل و عواملی که به هیچ وجه مورد نظر این پژوهش نیست، متحد استراتژیک دنیای غرب و به ویژه در دوران متأخر، متحد استراتژیک آمریکا محسوب می شد. گر چه اهمیت نقش ایران برای منافع و امنیت ملی آمریکا در دوره پهلوی دوم، با فراز و نشیب های اندک و نسبی مواجه

بود ولی در اساس، ایران اصلی‌ترین متحد آمریکا در منطقه ی خلیج فارس و خاورمیانه به حساب می‌آمد. نقش ایران به عنوان اصلی‌ترین ابزار تأمین منافع آمریکا در منطقه ی خلیج فارس، از زمان روی کار آمدن نیکسون در سال ۱۹۶۹م آغاز شد و تا سقوط شاه در سال ۱۹۷۹ م ادامه داشت. طی این مدت روابط دو جانبه بین دو کشور خصوصاً از حیث ابعاد امنیتی - نظامی آن چنان صمیمانه و گسترده بود که در طول تاریخ روابط دو کشور سابقه نداشته است. در سال ۱۳۵۱.ش ریچارد نیکسون رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا به شاه وعده داد که می‌تواند هر نوع تجهیزات نظامی متعارفی که بخواهد از آمریکا خریداری کند (رفیعی، ۱۳۸۶: ۲۱۲). شاه رویای تبدیل ایران به یکی از پنج قدرت نظامی متعارف جهان را در سر می‌پروراند و واشنگتن نیز با سپردن وظیفه ژاندارمری خلیج فارس به رژیم تا حدودی سودهای او را تیزتر کرد.

بنابراین در تحلیل سیاست خلع سلاحی رژیم پهلوی باید به دو جهت گیری کلی

این رژیم توجه اساسی داشت:



تصویر ۱. جهت گیری کلی سیاست خلع سلاحی رژیم پهلوی

با توجه به این روی کرد، طبیعی است که شاه دو سیاست متفاوت آشکار و پنهانی را در این زمینه دنبال می‌کند. دولت ایران معاهده ی ماوری جو را در تاریخ ۲۷ ژانویه ۱۹۶۷ تصویب کرد که البته برای ایران اهمیت چندانی نداشت. اما کنوانسیون سلاح های بیولوژیک را در آوریل ۱۹۷۲ امضا کرد و در ۱۶ نوامبر همان سال به تصویب رساند. امضاء و تصویب پروتکل ۱۹۲۵. م در مورد منع استفاده از مواد میکروبی و شیمیایی از اولین گام های ایران با رژیم بین المللی کنترل و منع اشاعه سلاح های کشتار جمعی بوده است. علاوه بر این از زمانی که نیروی اتم به عنوان یکی از مهم ترین نیروهای تأثیرگذار بر سیاست جهانی و ملی مطرح شد، حکومت های ایران برای دست یابی به آن علاقه نشان داده اند (خوش اندام، ۱۳۸۶: ۵۰-۵۱). ایران در ژوئیه ۱۹۶۸ معاهده ی منع گسترش سلاح های کشتار جمعی را امضا کرد و این معاهده ی در تاریخ ۲ فوریه ۱۹۷۰ مورد تصویب قرار داد. در سال ۱۹۷۴. م نیز با انعقاد موافقت نامه دوجانبه ای با آژانس، نظام پادمان هسته ای بر فعالیت های هسته ای خویش را پذیرفت (Beasley, 2003: 227). این موافقت نامه در قالب قرارداد INFCIRC/214 و بر اساس سند INFCIRC/153 در دبیرخانه آژانس بین المللی انرژی اتمی به ثبت رسیده است.

دیگر معاهداتی که در زمان شاه به تصویب رسید عبارت بودند از: معاهده ی منع گسترش سلاح های هسته ای (ان. پی. تی)، معاهده ی منع جزئی آزمایش های هسته ای، کنوانسیون ممنوعیت استفاده نظامی از محیط زیست (انمود) و معاهده ی بستر دریا. ضمن این که باید یادآور شد ایران پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در مورد سلاح های سمی و بیولوژیک را نیز در سال ۱۹۲۹. م تصویب کرده بود (رفیعی، ۱۳۸۶: ۲۱۳) اما در کنار این سیاست های اعلامی و آشکار شاه در زمینه ی برنامه های هسته ای صلح آمیز، مجموعه ای از اقدامات گسترده را برای امکان استفاده نظامی از انرژی هسته ای و از طریق خریدهای غیرقانونی،

همکاری‌های پنهانی و قاچاق مواد و فناوری دنبال می‌کرد که می‌توان آن را در جهت نیل به اهداف نظامی شاه ارزیابی کرد (موسویان، ۱۳۸۶: ۲۱۳).

نکته‌ی در خور توجه در این میان، همکاری گسترده‌ی دولت آمریکا با رژیم شاه در زمینه‌ی تأسیس، تجهیز و راه‌اندازی نیروگاه‌های هسته‌ای از یک سو، موافقت با مشارکت گسترده‌تر اروپائیان در برنامه‌های اتمی صلح‌آمیز با ایران از سوی دیگر و نیز چشم‌پوشی از مخالفت با تلاش‌های پنهانی شاه برای دست‌یابی به سلاح‌های هسته‌ای است. اهمیت این نکته زمانی صد چندان می‌شود که دولت آمریکا هر گونه تلاش دولت جمهوری اسلامی ایران را برای امکان دست‌یابی به انرژی هسته‌ای در جهت اهداف صلح‌آمیز بر این اساس که هیچ‌گونه توجیه اقتصادی به ویژه در زمینه انرژی ندارد، مورد نفی و انکار قرار می‌دهد. به هر حال برخی از مهم‌ترین موافقت‌نامه‌ها و برنامه‌های هسته‌ای شاه عبارت بودند از (بصیری، و قاسمی، ۱۳۸۵: ۲۸):

- موافقت‌نامه همکاری هسته‌ای غیرنظامی ایران و آمریکا (اجاره چند کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده و همکاری در زمینه مربوط به آن)؛
- راه‌اندازی راکتور تحقیقاتی پنج مگاواتی در دانشگاه تهران (تحویلی از سوی آمریکا)؛
- امضا قرار دارد خرید دو راکتور ۱۲۰۰ مگاواتی در ژوئن ۱۹۷۶ بین ایران و آلمان برای نصب در نیروگاه بوشهر؛
- خرید دو راکتور ۹۰۰ مگاواتی از فرانسه برای نصب در بندرعباس؛
- انعقاد قرارداد بین سازمان انرژی اتمی ایران و شرکت گرانت ورک یونیون آلمان غربی در اوت ۱۹۷۵ به منظور اختصاص کار بر روی نیروگاه‌های هسته‌ای ایران؛
- توافق ایران و فرانسه در اکتبر ۱۹۷۷ در مورد ساخت دو نیروگاه هسته‌ای ۹۰۰ مگاواتی در اهواز؛

- صدور مجوز ساخت چهار راکتور هسته‌ای از سوی آلمان غربی به شرکت گرانت ورک یونیون در ازای دریافت ۴/۸ میلیارد دلار در دسامبر ۱۹۷۷م؛
- آغاز همکاری ایران با شرکت یورودیف فرانسه در سال ۱۳۵۵ش (همراه با سرمایه‌گذاری ایران در ازای دریافت اورانیوم غنی‌شده برای نیروگاه‌های هسته‌ای ایران) (بصیری، و قاسمی، ۱۳۸۵: ۲۸).

۲-۲. استراتژی جمهوری اسلامی ایران در محور خلع سلاح و کنترل تسلیحات

وقوع انقلاب اسلامی در ایران به خاطر ماهیت ایدئولوژیکی آن دست‌یابی به سلاح‌های کشتار جمعی را منع می‌کرد. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹م رهبر ایران اعلام کرد علاقه‌ای به پیگیری برنامه هسته‌ای شاه و دیگر برنامه‌های کسب تسلیحات کشتار جمعی شیمیایی و بیولوژیکی ندارند (احدی، ۱۳۸۴: ۱۵۴).

به رغم تجدیدنظر کلی و اساسی در سیاست خارجی، به نظر می‌رسد دیدگاه معنوی و اخلاقی بنیان‌گذاران انقلاب مانع از این می‌شد که در زمینه عضویت در ان. پی. تی تجدیدنظر صورت پذیرد. علاوه بر این «استراتژی دفاع مردمی»، نقطه‌ی اتکای دکترین نظامی ایران را تشکیل می‌داد؛ به ویژه که در دوران دفاع مقدس، این استراتژی در فقدان کمک‌های موثر تسلیحاتی خارجی، غیاب توان تولید داخلی تسلیحاتی و ... به خوبی در تحقق اهداف نسبی جمهوری اسلامی ایران، موفق نشان داده بود. اما در زمینه سیاست خارجی بنا به دلایل و عوامل متعددی که جای بیان آن‌ها در این مجال نیست، انقلاب یک سیاست خارجی آرمان‌گرایانه را اتخاذ کرد که تا پایان جنگ تحمیلی با اندک تغییرات ادامه یافت. در این سال‌ها تلقی و برداشت‌های تصمیم‌گیرندگان و مجریان سیاست خارجی عمدتاً ایدئولوژیک و آرمان‌گرایی مبتنی بر اصول سنتی، انتزاعی و ارزش‌های اخلاقی بود (ازغندی، ۱۳۷۸: ۱۰۴) و بدین سبب در محیط بین‌المللی که رفتار عمده بازی‌گران بر

واقع‌گرایی استوار است، با مشکلاتی مواجه شد. نتیجه‌ی این آرمان‌گرایی ایدئولوژیک، کم‌اعتنایی به ترتیبات بین‌المللی و گاه حتی اراده‌ی تغییر و تحول آن‌ها بود. ادبیات سیاسی بین‌المللی آن دوره در ایران یکسره مشحون از ضدیت با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی به منزله کارگزاری‌های نظام ظالمانه جهانی بود که تماماً در خدمت اهداف امپریالیستی قدرت‌های شرق و غرب شمرده می‌شد. افزون بر آن سیاست خارجی ایران در این دوره با سیاست دفاعی (به دلیل جنگ هشت ساله) ارتباط وثیقی داشت (رمضانی، ۱۳۸۰: ۵۸). شاید بهتر آن باشد که بگوییم سیاست خارجی بر همان اهداف آرمان‌گرایانه مبتنی بود که متأثر از جنگ هشت ساله، موجب برخی بی‌توجهی‌ها به واقعیات گردید.

اما به هر حال پایان جنگ، رحلت حضرت امام (ره)، و بازنگری قانون اساسی از یک سو و تحولات بین‌المللی ناشی از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد نوعی تجدیدنظر کلی را در سیاست خارجی ایران ایجاد کرد که با انتخاب هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری به منصفی ظهور رسید. تعقیب سیاست کم‌اعتنایی به ترتیبات بین‌المللی طی هشت سال جنگ، خواسته‌های تجدیدنظر طلبانه بین‌المللی ایران را تأمین نکرده بود، این عوامل به تدریج دولت را با اکراه و اجبار واداشت که با واقعیت‌های نظام بین‌المللی توجه کند و در کنار نیاز به اصلاحات اقتصادی داخلی، تعامل با نظام بین‌الملل را نیز در سرلوحه‌ی برنامه‌های خود قرار دهد. عنصر محوری این گفتمان را واقع‌بینی در تنظیم و اجرای سیاست خارجی با رعایت ارزش‌های اسلامی تشکیل می‌داد (ازغندی، ۱۳۷۸: ۱۰۴). در این مورد گفته شده است که تلاش‌های گسترده‌ای با انعطاف‌پذیری و جهت‌گیری‌های مصلحت‌گرایانه انجام گرفت تا ایران اسلامی قدرتمند و مورد توجه نظام بین‌المللی بر پا گردد (احتشامی، ۱۳۷۸: ۹۸). احترام به تصمیمات و توصیه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت ملل متحد، اتخاذ سیاست حمایتی از حق حاکمیت کویت در جنگ با عراق، تلاش برای بهبود روابط با جهان عرب، عدم مقابله با نظم حاکم بر روابط بین‌الملل، احترام به

قواعد و اصول بین‌المللی، عضویت فعال در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، تلاش در به وجود آوردن فضای هم‌زیستی با دیگران از جمله محورهای سیاست خارجی ایران از آن زمان تاکنون بوده است.

به نظر می‌رسد این تغییر روی کرد در سیاست خارجی، هم‌چنان علت اصلی و اساسی عضویت و پایبندی به معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات بوده باشد. یعنی اگر در دوران اولیه پس از انقلاب و جنگ، اصول معنوی و اخلاقی موجب پایبندی به معاهدات خلع سلاحی شده بود، هم‌اکنون و پس از تغییرات مهم در سیاست خارجی، این لزوم همکاری و هماهنگی در نظام بین‌الملل و اعتمادسازی منطقه‌ای و جهانی سبب‌ساز این نگرش به نظام خلع سلاح شده باشد. آن‌چه در این میان از نظر داخلی مورد اختلاف واقع شده است همانا ملاحظات امنیتی از یک سو و اهداف منطقه‌ای و جهانی ایران اسلامی از دیگر سو است (رفیعی، ۱۳۸۶: ۲۱۶).

در عین حال بروز حوادث و روی‌کردهای دیگری در فردای پس از پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، موجب تحول عمده‌ای در سیاست هسته‌ای ایران شد. پایه‌های نخستین طرح‌های هسته‌ای ایران که با مشارکت جدی اروپاییان شکل گرفته بود، ابتدا با حملات هوایی عراق و چراغ سبز همان طرف‌های اروپایی و سپس با لغو قراردادها و تعهدات آن‌ها در ادامه همکاری با ایران رو به ویرانی و تزلزل گذاشت. آلمان‌ها به رغم وجود قرارداد و دریافت حدود ۷/۸ میلیارد مارک، با لغو یک جانبه قرارداد از تکمیل نیروگاه بوشهر خودداری ورزیدند و حتی برای دریافت غرامت به دادگاه‌های بین‌المللی مراجعه کردند. دولت فرانسه نیز در راه بهره‌مندی از حقوقش در شرکت یورودیف ممانعت به عمل آورد. انگلستان نیز به رغم وجود مجوزهای قانونی از ارسال تجهیزات هسته‌ای به ایران جلوگیری کرد (رفیعی، ۱۳۸۶: ۲۱۷).

به موازات این تغییر روی کرد اروپایی ها، تلاش های دولت ایران برای انعقاد قرارداد با دولت های چین و ژاپن، با اعمال فشار دولت های غربی به شکست انجامید و ایران را وادار ساخت که شاید برخلاف برنامه اولیه اش اما هم راستا با اصول بنیادین انقلاب، به استقلال در این زمینه بیاندیشد. بدین ترتیب سیاست « استقلال هسته ای » بنیان نهاده شد و ایران تصمیم گرفت با پذیرش همه ی هزینه های اقتصادی، سیاسی و ... و با درک این مسأله که غربی ها هرگز یک ایران هسته ای را کمک - و البته تحمل - نخواهند کرد، به خوداتکایی و خودکفایی نسبتاً کاملی در این زمینه دست یابد. چنین سیاستی البته با نوعی مشارکت و همکاری با جامعه بین المللی در زمینه خلع سلاح و کنترل تسلیحات همراه بود. شاید جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه رسیده بود که تعامل با جهان و مشارکت در فرآیندهای بین المللی، به حسن نیت ایران تعبیر خواهد شد و موجب می شود که سرانجام ایران از فشارهای تحمیلی پس از ماجرای سفارت آمریکا و جنگ هشت ساله خارج شود. ضمن این که به هر حال با به ثمر نشستن فرآیند خلع سلاح و کنترل تسلیحات، رقبا و مخاصمان احتمالی ایران نیز به این رژیم های بین المللی می پیوندند و بنابراین جمهوری اسلامی ایران نیز از آن منتفع خواهد شد (موسویان، ۱۳۸۶: ۲۱۸).

محور سیاست های اعلامی خلع سلاح جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر خلع کامل به عنوان مقدمه ضروری عدم اشاعه است. از نظر جمهوری اسلامی ایران تا زمانی که قدرت های هسته ای به توسعه سلاح ها و زرادخانه های هسته ای خود ادامه می دهند، امکان تحقق منع گسترش هسته ای بسیار کم است. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران همواره در کنفرانس های مختلف خلع سلاح و کنترل تسلیحات و به طور مشخص در کنفرانس های بازنگری ان. پی. تی و کنفرانس های مقدماتی بازنگری که در سال قبل از برگزاری اصلی برگزار می شود، بر موضوع اجرای تصمیم های مربوط به خلع سلاح تأکید می کند و آن را برای دست یابی به اهداف ذکر شده در ان. پی. تی ضروری می داند (بشری و

قهرمانپور، ۱۳۸۸: ۹۶). پرسش اساسی در این میان آن است که آیا چنین روی کردی در زمینه ی نظام بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات از سوی جمهوری اسلامی ایران به اهداف متصور خود دست یافته است؟ تردیدی وجود ندارد که جمهوری اسلامی ایران با عضویت در مهم ترین معاهدات خلع سلاحی، تعهدات و محدودیت فراوانی را بر خود بار کرده است اما هم چنان در نوک پیکان اتهامات و فشارهای مضاعف ناشی از این فرآیند بین‌المللی قرار دارد و هم چنین نیز نظام مورد توجه جامعه بین‌المللی نیست. اما پاسخ به این پرسش اساسی به انصاف و و براساس منطق مستلزم بررسی جامع و دقیق از یکایک معاهداتی است که جمهوری اسلامی ایران به عضویت آن‌ها درآمده است. به ویژه آن که در اساس این گونه معاهدات، مجموعه‌ای از منافع و مضار متفاوت و گوناگون را متوجه دولت‌های عضو می‌کنند و بنابراین نمی‌توان با یک اظهار نظر کلی در مورد آن‌ها داوری کرد.

جدول ۱. عضویت ایران در معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات

نام معاهده	امضا	تصویب
پروتکل ۱۹۲۵ ژنو	-	۵ نوامبر ۱۹۲۹
معاهده ی ماورای جو	۲۷ ژانویه ۱۹۶۷	-
معاهده ی منع جزئی آزمایش‌های هسته‌ای	۸ اوت ۱۹۶۳	۴ مه ۱۹۶۴
معاهده ی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای	۱ ژوئیه ۱۹۶۸	۲ فوریه ۱۹۷۰
معاهده ی بستر دریا	۱۱ فوریه ۱۹۷۱	۶ سپتامبر ۱۹۷۱
کنوانسیون ممنوعیت سلاح‌های بیولوژیک	۱۰ آوریل ۱۹۷۲	۲۲ اوت ۱۹۷۳
معاهده ی ENMOD	۱۸ مه ۱۹۷۷	-
کنوانسیون ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی	۱۳ ژانویه ۱۹۹۳	۳ نوامبر ۱۹۹۷
معاهده ی منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای	۲۵ سپتامبر ۱۹۹۶	-

به هر حال جمهوری اسلامی ایران همواره یکی از نقش‌آفرینان مهم جامعه بین‌المللی خلع سلاح بوده است. دولت ایران به طور فعالی در کنفرانس خلع سلاح ملل متحد (CD) شرکت می‌کند و دارای ابتکارات فراوانی در این عرصه ی جهانی است. به علاوه ایران به طور مستمر در مذاکرات کمیته اول ملل متحد مشارکت جدی دارد. مهم‌تر از آن این که جمهوری اسلامی ایران هم اکنون در مهم‌ترین معاهدات چندجانبه خلع سلاحی از جمله در معاهدات منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان. پی. تی)، کنوانسیون ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی و کنوانسیون ممنوعیت سلاح‌های بیولوژیک عضویت دارد که تنها کشور دیگر دارای چنین موقعیتی در خاورمیانه، اردن است.

نکته ی محوری دیگر در مواضع خلع سلاحی ایران، رهبری دولت‌های نهضت عدم تعهد در زمینه انتقادهای جدی بر رژیم انتقال فناوری است. ایران همواره توجه ویژه‌ای به این‌گونه سیاست‌های تبعیض‌آمیز غربی در زمینه ی محدودسازی دست یابی به فناوری‌های دو منظوره (چه در خصوص اهداف صلح‌آمیز و چه در زمینه توسعه تسلیحات) داشته است (Statement by Mr. Velayati to the Conference on Disarmament, Jun 18, 1922, CD/PV. 625: 5). نمایندگان ایران در مجامع بین‌المللی به طور مستمر چنین رژیم‌هایی را در جهت ممانعت از توسعه اقتصادی و تکنولوژیک کشورهای سوم ارزیابی کرده‌اند. به علاوه ایران به همراه سایر دولت‌ها مدعی‌اند که در مقابل احتراز از دست یابی به سلاح‌های خاص، این کشورها باید بتوانند از این فناوری‌ها در جهت توسعه ی مشروع پایه‌های اقتصادی و صنعتی خود استفاده کنند.

یکی از مواضع مهم خلع سلاحی ایران در بسیاری از مجامع بین‌المللی آن بوده است که معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات در طول جنگ هشت ساله نه تنها دشمن ایران را از تحمیل برخی صدمات و خسارات مانع نشد، بلکه رضایت توأم با همکاری گسترده دولت‌های قدرتمند جهان با دشمن در حال جنگ ایران، در عمل ایران را با یک

تبعیض ظالمانه رو به رو ساخت. این امر امروز قطعی شده است که در هنگامه ی جنگ تحمیلی، ارتش عراق بارها و بارها از سلاح‌های شیمیایی علیه نظامیان و غیرنظامیان استفاده کرد و در این زمینه نه تنها از اعلام رسمی آن ابایی نداشت بلکه مستحضر به سکوت و حمایت ضمنی دولت‌ها و نهادهای مسئول نیز بود (زمانی، ۱۳۷۶: ۱۴۶). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که معاهدات بین‌المللی خلع سلاح تسلیحات و تضمین‌های مندرج در آن‌ها، تنها در صورتی محقق می‌شود که شما با قدرت‌های بزرگ دوست و یا هم‌پیمان باشید (Interview With Senior Iranian Foreign Ministry Official, Tehran December 1997).

بدون تردید مهم‌ترین علت مشارکت فعالانه ایران در مجامع خلع سلاح و یا عضویت در معاهدات کنترل تسلیحاتی را باید نشان دادن هم‌سویی با فرآیندهای جهانی در جهت اعتمادسازی، رفع اتهامات و ارتقاء وجهه ی بین‌المللی دانست؛ گرچه چنین موضعی از سوی تحلیل‌گران عمدتاً غربی به مثابه تمهیداتی برای پنهان کردن پیگیری برنامه‌های دست‌یابی به سلاح‌های کشتار جمعی ارزیابی می‌گردد.

یکی دیگر از اهداف جمهوری اسلامی ایران در زمینه ی مشارکت در فرآیند خلع سلاح و کنترل تسلیحات، تأثیرگذاری بر تهیه و تدوین متون معاهدات و کنوانسیون‌های ذی‌ربط به ویژه در جهت رعایت دغدغه‌ها و نگرانی‌های ایران بوده است. مثال بارز این امر، نقش فعال و موثر ایران در تدوین و تصویب کنوانسیون ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی در سال ۱۹۹۳م است که با تمهیدات بسیار و ابتکار عمل موثر توانست بسیار فراتر حد مورد انتظار، افکار عمومی جهانی و دولت‌های زیادی را در جهت تدوین این کنوانسیون تهییج نماید (زمانی، ۱۳۷۶: ۱۴۶).

۳. عضویت ایران در معاهده ی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

در زمینه ی معاهده ی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان. پی. تی) ایران به پیروی از سیاست‌های جهانی آمریکا جزء اولین کشورهایی بود که به عضویت آن درآمد. سیاست

آمریکا در این دوران در مورد سلاح هسته‌ای، کنترل هر چه بیشتر آن و جلوگیری از دست‌یابی کشورهای جهان سوم به آن بود و دلیل اساسی آن شاید حفظ وضع موجود و جلوگیری از دست‌دادن مناطق تحت کنترل خود بود. در این میان اقدام ایران به عنوان یکی از نزدیک‌ترین متحدان آمریکا در منطقه در امضای ان. پی. تی نوعی مشارکت با سیاست‌های جهانی آمریکا تلقی می‌شد. البته گفته شده است که این سیاست ایران در آن زمان، نوعی اقدام برای جلب موافقت آمریکا با فروش جنگنده‌های اف-۴ به ایران بوده است. به هر ترتیب ایران در ۱ ژوئیه ۱۹۶۸ این معاهده‌ی را امضا و در ۲ فوریه ۱۹۷۰ آن را تصویب کرد.

در سال ۱۹۹۵ م. دولت جمهوری اسلامی ایران، پیمان منع گسترش را به طور نامحدود امضا نمود. با امضا نامحدود پیمان منع گسترش، کشور از لحاظ حقوقی در قبال جامعه بین‌المللی بدون هیچ‌گونه تضمین موثر و کارآمد متعهد شده است. این در حالی است که برای تعهدات کشورهای هسته‌ای از ابتدای تصویب پیمان تا کنون هیچ‌گونه ضمانت اجرای موثری پیش‌بینی نشده است و هیچ‌یک از آن‌ها تا به حال به تعهدات خود عمل ننموده‌اند. در مقابل به مرور زمان، محدودیت‌های هر چه بیشتری متوجه کشورهای غیر هسته‌ای طرف پیمان در دست‌یابی به حقوق مسلم و شناخته‌شده‌شان ایجاد شده است (مرادی، ۱۳۸۴: ۳۰۰).

۴. معاهده‌ی منع گسترش و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران

اصل رضایی بودن پذیرش معاهدات بین‌المللی، یکی از ستون‌های حقوق بین‌الملل معاهدات است. بر اساس این اصل، هر معاهده‌ی بین‌المللی حاصل تراضی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی حول محور اهداف و منافع مشترک است که در پی همکاری آن‌ها حاصل می‌شود. این دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی هستند که نیاز به انعقاد معاهده را تشخیص می‌دهند، به مذاکره پیرامون شکل و مفاد آن می‌پردازند، نکات مشترک دیدگاه

خود را مکتوب می‌کنند و به نگارش در می‌آورند و سپس با خاتمه فرایند مقدماتی انعقاد معاهدات، با اعلام اراده رسمی خود در التزام به مفاد سند مورد وفاق، آن در امضا، تصویب یا تصدیق می‌کنند (ساعد، ۱۳۸۸: ۱۵۴).

معاهده‌ی عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان. پی. تی) به دلیل جامعیت و بنای آن بر اعتلای صلح و امنیت بین‌المللی، برخوردار از یک سیستم نظارت و بازرسی پویا و رو به تکامل، نفوذ و تأثیر قدرت‌های هسته‌ای در روند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نهاد نظارتی، آثاری بر کشورهای غیر هسته‌ای عضو خواهد داشت. مهم‌ترین اثر پیمان بر کشورها قبول و اذعان به تثبیت پنج کشور عضو دائم شورای امنیت به عنوان قدرت‌های هسته‌ای شناخته‌شده مطابق بند ۳ ماده ۹ و تعهد به عدم تلاش در دست‌یابی به سلاح‌های هسته‌ای و قبول و کنترل بر این سلاح‌ها بر اساس ماده ۲ پیمان است. با پذیرش این تعهد کشورهای غیر هسته‌ای خود را از حق برخوردار از این سلاح‌ها کشتار جمعی جلوگیری خواهد شد. به دیگر سخن خلع سلاح هسته‌ای را نسبت به خود در برابر گروهی دیگر از کشورها که مجهز به این سلاح‌ها می‌باشند و آن را حق انحصاری خود قلمداد می‌کنند، می‌پذیرند. این در حالی است که تاکنون در هیچ یک از اسناد بین‌المللی به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای به طور صریح محکوم نشده است. دولت‌هایی مانند اسرائیل، هند و پاکستان هر یک به نوعی از پذیرش این تعهد و به بهانه اثر آن بر امنیت خود از پذیرش پیمان اجتناب ورزیده‌اند (مرادی، ۱۳۸۴: ۲۲۰).

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۴۸.ش به این پیمان ملحق شده و به تصویب مجلس رسیده است. این پیمان کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای را در مقابل برخوردار از حق استفاده صلح‌جویانه از انرژی هسته‌ای متعهد می‌سازد تا از کسب و ساخت سلاح‌های هسته‌ای خودداری کنند. کلیه‌ی اعضای این پیمان، به تسهیل تبادل دانش فنی برای کاربردهای صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای متعهدند. بر اساس این کشورهای عضو به پذیرش

موافقت‌نامه پادمان هسته‌ای با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ملزمند که آژانس را مجاز می‌سازد تا به منظور بررسی و تأیید رعایت تعهدات کشور عضو در خصوص عدم کسب و ساخت سلاح هسته‌ای، اقدامات پادمان هسته‌ای را اجرا نمایند. موافقت‌نامه پادمان هسته‌ای بین ایران و آژانس در سال ۱۳۵۲.ش به تصویب مجلس رسیده است که بر اساس آن، ایران موظف به ایجاد سامانه ملی حسابرسی و کنترل مواد هسته‌ای ویژه ی اورانیوم، پلوتونیوم و توریوم در کشور است.

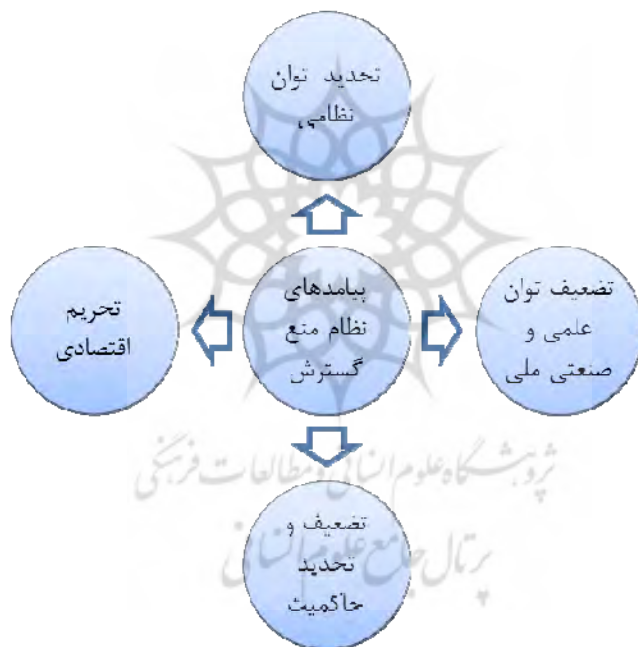
جمهوری اسلامی ایران با پیوستن به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در زمان رژیم پهلوی، بر خلع سلاح هسته‌ای مهر تأیید گذاشته و کشور را جزو طرف‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای پیمان قرارداد است. (و تعهدات متوجه کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای را مبنی بر عدم تلاش در جهت دست‌یابی به این سلاح و از سوی دیگر قائل شدن حق برخورداری از سلاح هسته‌ای برای اعضای باشگاه هسته‌ای) با تمدید نامحدود پیمان در سال ۱۹۹۵.م و امضا پیمان منع جامع آزمایشات هسته‌ای دوباره تأیید شده است. با توجه به حضور قدرت‌های هسته‌ای کوچک در همسایگی ایران و آزمایشات هسته‌ای هند و پاکستان، منطقه با تهدید اشاعه سلاح‌های هسته‌ای مواجه است و قطعاً این وضعیت پیام‌آور صلح و آرامش در منطقه و برای جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود. علی‌رغم بیان قصد قدرت‌های هسته‌ای در مذاکرات خلع سلاح مبنی بر کنترل و جلوگیری از اشاعه تسلیحات هسته‌ای، سیاست‌های اجرا شده و عملکرد آن‌ها مبین برخورد تبعیض‌آمیز و گزینشی بر محور منافع استراتژیک آن‌ها است (مرادی، ۱۳۸۴: ۱۱۶).

بنابراین کنترل تسلیحات هسته‌ای به شکل تبعیض‌آمیز منطبق با خواست و منافع قدرت‌های هسته‌ای و مبتنی بر سیاست‌های زورمدارانه، ضمن این که با اهداف پیمان منع گسترش و مواد منشور مغایرت دارد، ناقض قواعد و مقررات بین‌المللی بوده و تهدیدکننده

و حاکمیت و امنیت ملی هر کشور مستقلاً است. لذا امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران نیز از این امر مستثنا نیست و همواره در معرض تهدید پایدار قرار دارد (مرادی، ۱۳۸۴: ۱۱۷).

۵. پیامدهای امنیتی نظام منع گسترش بر جمهوری اسلامی ایران

مهم ترین مخاطرات امنیتی ناشی از عضویت جمهوری اسلامی ایران در نظام فعلی خلع سلاح و کنترل تسلیحات و یا در واقع، نظام منع گسترش را می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد:



تصویر ۲: پیامدهای امنیتی نظام منع گسترش بر ایران

۵-۱. تحدید توان نظامی و تسلیحاتی کشور

یکی از آثار مهم تحریم‌های نظامی - تسلیحاتی دولت‌های غربی و نیز فشار فزاینده ی دولت آمریکا بر تأمین کنندگان تسلیحاتی ایران، ضعف توانایی تسلیحاتی جمهوری اسلامی

ایران بوده است. این امر به ویژه هنگامی برجسته می‌شود که نمودارهای مربوط به توازن تسلیحاتی ایران با کشورهای مختلف منطقه مورد توجه جدی قرار گیرد.

(Anthony Cordesman, 2006: 128)

به رغم تلاش و سرمایه‌گذاری وافر ایران در زمینه ایجاد یک پایه ی ملی برای تولید بومی تسلیحات و حتی پیشرفت اساسی در تولید برخی اقلام استراتژیک و بازدارنده (یعنی انواعی از موشک‌ها) و نیز فارغ از تهیه برخی اقلام تسلیحات مهم از روسیه و چین، وابستگی ایران به جنگ‌افزارهای فرسوده غربی از بین نرفته است.

(Anthony H, Cordesman, 2006: 153)

در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان دریافت که ایران به رغم عضویت در فرآیند بین‌المللی کنترل تسلیحات، هم‌چنان از تحریم‌های عمده نظامی و تسلیحاتی آسیب فراوان می‌بیند و در نتیجه، همراهی با این نظام بین‌المللی نتوانسته است تسهیلاتی برای ایران در این زمینه فراهم کند.

اگر این پدیده را با سایر اقدامات بین‌المللی آمریکا و دولت‌های غربی هم‌چون تحریم‌های جدید تسلیحاتی علیه ایران در قالب قطعنامه ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ شورای امنیت سازمان ملل در زمینه اعمال محدودیت‌های تکنولوژیک و بازرگانی حتی در حوزه‌های غیرنظامی با یک دیگر در یک روی کرد کلی مشاهده کنیم، در می‌یابیم هدف آن‌ها در واقع اعمال نوعی خلع سلاح و کاهش توان بازدارندگی ایران اسلامی است؛ نوعی خلع سلاح اجباری که سرانجام منجر به آسیب پذیر ساختن ایران در برابر تهدیدات و حملات حتی از سوی دولت‌های ضعیف منطقه می‌شود و ایران را وادار به پذیرش خواسته‌های آنان می‌کند. این پیامد منفی، در واقع مهم‌ترین و اصلی‌ترین پیامد نظام فعلی عدم گسترش بر امنیت جمهوری اسلامی ایران است.

۲-۵. تضعیف توان علمی - صنعتی ملی

در معاهدات عمده ی خلع سلاح چنین اندیشیده شده است که دولت های جهان در قبال چشم پوشی از دست یابی یا کاربرد سلاح های هسته ای، شیمیایی و بیولوژیک، به عنوان یک سیاست تشویقی بتوانند از مواد، تجهیزات و فناوری های ذی ربط در جهت توسعه همه جانبه صلح آمیز خود استفاده کنند؛ امری که متأسفانه در مورد ایران نه تنها محقق نشده، بلکه به طور منفی و به گونه ای خاص علیه ایران نیز هدف گیری شده است.

(رفیعی، ۱۳۸۶: ۲۳۸)

امروزه تعداد بسیاری زیادی از دولت های جهان که به تشویق آمریکا در رژیم های کنترل فناوری و یا کنترل صادرات عضویت یافته اند، ناگزیرند تا اندازه ی زیادی در روابط خود با ایران این ممنوعیت ها را مورد عمل قرار دهند. در این زمینه به طور مثال می توان از کنوانسیون ممنوعیت سلاح های شیمیایی نام برد که تعهدات و محدودیت های زیادی را چه در زمینه تولید، توسعه و کاربرد مواد و تجهیزات مختلف و چه در مورد پذیرش نظام بازرسی های آن بر عهده دولت ها گذاشته است تا اطمینان حاصل شود که هیچ دولت عضوی به تولید، توسعه و کاربرد مواد و تجهیزات مستعد برای کاربردهای نظامی اقدام نخواهد کرد اما متأسفانه به رغم عضویت ایران در این معاهده و امکان اعمال بازرسی های عادی و اتهامی برای اطمینان از عدم انحراف ایران، کشورمان هم چنان با بهانه جویی های واهی در معرض تحریم های گسترده کشورهای « گروه استرالیا » قرار دارد و تلاش های فراوان ایران برای لغو این تحریم ها ناکام مانده است. چنین به نظر می رسد که دولت های غربی ضمن تحمیل محدودیت ها و ممنوعیت های خلع سلاحی، با اعمال این گونه تحریم ها هم از تعهدات خود در برابر ما خودداری می ورزند و هم ما را از مزایا و فرصت های عضویت در این معاهدات محروم می سازند و در حقیقت توان ملی ما را هدف گرفته اند

(رفیعی، ۱۳۸۶: ۲۳۸).

۳-۵. محدودیت حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران

یکی از سیاست‌های تشویقی دولت‌های قدرتمند برای به عضویت درآوردن سایر کشورها، اعطای نوعی تضمینات امنیتی تلویحی یا تصریحی بوده است. یعنی در واقع، دولت‌ها در ازای دریافت تضمین‌های امنیتی است که به این معاهدات می‌پیوندند اما متأسفانه طرح دکترین‌های جدید امنیتی دولت آمریکا و نیز پیروی متحدان آن کشور از این سیستم‌ها در زمینه کاربرد حتی پیش‌دستانه‌ی زور؛ بیانگر آن است که به رغم عضویت ایران در این معاهدات، نه تنها تضمین‌های امنیتی وجود ندارد بلکه آشکارا با تهدید کاربرد زور نیز روبه‌رو است.

با توجه به تعهدات خلع سلاحی، دولت جمهوری اسلامی ایران برای فراهم آوردن توان تسلیحاتی با گزینه‌های بسیار اندکی مواجه است. یعنی این دولت به دلیل عضویت در معاهدات خلع سلاح از یک سو و اعمال تحریم‌های مندرج در رژیم‌های کنترل صادرات از دیگر سو با محرومیت شدید روبه‌روست که این خود، یکی از جلوه‌های تحدید حاکمیت دولت‌ها به شمار می‌رود؛ چرا که دولت‌ها علی‌الاصول می‌بایست بتوانند به دلیل برخورداری از حاکمیت در جهت تأمین امنیت و منافع خود به سلاح‌های مورد نیاز خود روی آورند. افزون بر آن نظام‌های بازرسی و کنترل مندرج در معاهدات کنترل تسلیحات دخالت مستقیم و خطرناکی در حاکمیت دولتی ماست. بیگانگان با این سازوکار می‌توانند به شدت در امور داخلی کشور ما دخالت کنند و از طرف دیگر امکان بهره‌برداری اطلاعاتی از پایه‌های توان علمی - صنعتی و نیز توان تسلیحاتی دولت‌ها از این رهگذر فوق‌العاده بالاست (موسویان، ۱۳۸۶: ۲۴۱).

۴-۵. تحریم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

فراتر از همه ی نکات پیش گفته چنین استنباط می‌شود که یکی از مهم ترین اهداف دولت های غربی و در رأس آن ها آمریکا از طرح و پیگیری نظام عدم گسترش علیه ایران در واقع، مجازات جمهوری اسلامی ایران به وسیله تحریم های اقتصادی بین المللی به دلیل ناهم سویی با سیاست ها و استراتژی های توسعه طلبانه و زیاده خواهانه آن هاست. آن دولت ها با تحمیل هزینه های سنگین سیاسی، اقتصادی و روانی و ... سعی دارند مردم را به این نتیجه مهم رهنمون سازند که رویارویی با غرب و هژمونی آمریکا چه هزینه هایی را در بر دارد تا سرانجام دولت مردان ایران بر اثر فشارهای درونی و بیرونی ناگزیر به نرمش بیشتر در برابر مطالبات آنان گردند. از سوی دیگر دولت ها و ملت های دیگر نیز در طی این فرآیند در خواهند یافت که اتخاذ سیاست های مستقل و متکی به خود، به ویژه در رویارویی با آمریکا و کشورهای غربی با چه پیامدهای پرهزینه ای روبه روست، از این رو با ایجاد تحریم های اقتصادی بر علیه جمهوری اسلامی ایران، کشورهای دیگر سعی خواهند کرد از تاسی به ایران اجتناب ورزند. در حقیقت، در این جا نظام عدم گسترش نه به عنوان هدف، بلکه به عنوان وسیله ای در جهت نیل به اهدافی بسیار گسترده تر و فراتر مطرح می شود (موسویان، ۱۳۸۶: ۲۴۱).

نتیجه گیری

معاهدات و کنوانسیون های خلع سلاحی و کنترل تسلیحاتی دولت های عضو را چه از جهت مقرر داشتن ممنوعیت ها و محدودیت ها و چه از نظر اعمال و اجرای نظام های بازرسی و راستی آزمایی، با پدیده گسترش یابنده ی تحدید حاکمیت (همان طور که در یکی از محورهای تصویر شماره ۲ بدان اشاره شد) رو به رو ساخته اند که چندان گریزی از آن ها نیست و نباید پذیرش آن ها را به سازش و امتیازدهی تعبیر کرد. آنچه مهم است این که چنان تحدید حاکمیتی با چه دستاوردهایی متوازن شود. ایران با راهبردهایی تسلیحاتی

هم چون عضویت در معاهدات کنترل تسلیحات می‌تواند اعتماد کشورهای منطقه و جهان را به نوعی به خود جلب کند و خود را به عنوان کشوری تنش‌زا در جهان معرفی کند. گسترش معاهدات کنترل تسلیحاتی باعث محدودیت‌هایی برای تسلیحات متعارف و غیرمتعارف شده است و این عملکرد باعث افزایش امنیت در سطوح ملی و بین‌المللی و تحدید حاکمیت کشورهای عضو می‌شود که این ویژگی شامل حال کشورمان هم می‌شود. با توجه به این ارزیابی کلی جمهوری اسلامی ایران می‌بایست در برابر فرآیند فعلی خلع سلاح و کنترل تسلیحات یا در حقیقت نظام عدم گسترش، استراتژی شایسته و بایسته‌ای را برگزینند تا ضمن به حداقل رساندن آسیب‌ها و تهدیدات ناشی از آن، امنیت خود را نیز افزایش دهد.



منابع

- احدی، افسانه، (۱۳۸۴)، «استراتژی آمریکا در قبال برنامه هسته ای ایران (روند ها و نظرها)، کتاب پرونده هسته ای ایران (۲)»، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ازغندی، علیرضا، (۱۳۸۷)، «تنش زدایی در سیاست خارجی. مورد: جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۷-۱۳۷۸)»، مجله سیاست خارجی، شماره ۴.
- انوشیروان احتشامی، (۱۳۸۷)، سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی (اقتصاد، دفاع، امنیت)، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین چی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بشری، اسماعیل، رحمن قهرمانپور، (۱۳۸۸)، سلاح های هسته ای جدید و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- بصیری، محمدعلی، مصطفی، قاسمی، (۱۳۸۵)، «بررسی مواضع اتحادیه اروپا و آمریکا در قبال پرونده هسته ای ایران»، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۵۴.
- بلوجی، حیدرعلی، (۱۳۹۲)، مفاهیم رقیب در سیاست گذاری های دفاعی، تهران، پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
- بیلز، جان و دیگران، (۱۳۸۸)، استراتژی معاصر: نظریات و خط مشی ها، ترجمه هوشمند میرفخرایی، تهران، امور خارجه.
- خوش اندام، بهزاد، (۱۳۸۶)، «واکنش ایران به رژیم بین المللی کنترل و منع اشاعه سلاح های کشتار جمعی»، پژوهشنامه خلع سلاح، سال اول، شماره دوم.
- رفیعی، سید کمال الدین محمد، (۱۳۸۶)، «بررسی روند جهانی استراتژی خلع سلاح و تعامل جمهوری اسلامی ایران»، مجموعه مقالات پروتکل الحاقی و راهبرد جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک.

رمضانی، روح الله، (۱۳۸۰)، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.

زمانی، قاسم، (۱۳۷۶)، حقوق بین‌الملل و کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.

ساعد، نادر، (۱۳۸۴)، حقوق خلع سلاح و حاکمیت دولت‌ها، تهران: نشر خرسندی.
ساعد، نادر، (۱۳۹۲)، ابو محمد عسگرخانی. نگرش‌ها و رژیم‌های نوپدید در محیط بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات، تهران: مرکز مطالعات راهبردی دیپلماسی دفاعی (راد).

شبهان، میشل، (۱۳۷۸)، خلع سلاح و کنترل تسلیحات، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مرادی، صفرعلی، (۱۳۸۴)، پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و حاکمیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سازمان بسیج اساتید.

موسویان، سید حسین، (۱۳۸۶)، پروتکل الحاقی و راهبرد جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

واعظی، محمود، (۱۳۸۶)، «چالش‌ها و رویکرد امنیتی ایران در محیط پیرامونی»، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، شماره ۲۳.

Anthony H, Cordesman (2006) *Arms control and Disarmament*, The Wisdom Fund, press contact, Washington, DC.

Beasley, Ryan (2003) *Foreign Policy in Comparative Perspective*, Copress, Washington D.C.

Cimbala Stephan (2001) *Russia & Armed Persuasion*, Maryland, Rowman & Littlefield Publishers.

(1997) "Interview with Senior Iranian Foreign Ministry Official", Tehran December.

(1992) "Statement by Mr. Velayati to the Conference on Disarmament", Jun 18.